

## امنیت ملی و مفهوم آن

از همان دم که انسان بر آن شد که از دل کوهها بیرون آید و گروهی زیستن را آزمون نماید، نیاز به امنیت را نیز احساس نمود. امنیت یگانه شیوه نیل به بقا بود. با به هستی آمدن اجتماعات، یکجانشینی و پیدایش نهاد دولت، پرسمان امنیت ملی هم به میان آمد. امروزه نیل به امنیت ملی و بین‌المللی از اهداف بنیانی و پایدار کشورها و جامعه جهانی است.

کشورها به منظور پاسداری از هستی خود، امنیت داخلی و بین‌المللی را با سختکوشی دنبال می‌کنند. نبود امنیت، مفهومی جز نبود توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، چه در زمینه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی ندارد. امنیت در گستره ملی با اهداف ملی، حاکمیت ملی و استقلال، پیوندی تنگاتنگ دارد.

دانشوران پهنه سیاست، در تعریف امنیت ملی، هم‌اندیش نیستند و هر یک با برداشتی ویژه این پرسمان را به بررسی گذاشته‌اند. برخی امنیت ملی را هم‌ارز منافع ملی به کار برده و آن را مجموعه شرایط و امکانات پویایی دانسته‌اند، که تحقق نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شادنی می‌سازد.

این شرایط و امکانات خود ملهم از شرایط ژئوپلیتیک، ساختار اقتصادی-سیاسی جامعه، ویژگیهای تاریخی و جایگاه ملی کشور در صحنه بین‌المللی فرض شده است<sup>۱</sup>. در همین معنا، امنیت ملی در دو پهنه درونی و برونی جدا از یکدیگر و در همان حال مرتبط با هم قلمداد می‌شود. بُعد درونی ناظر بر ایجاد آرامش و نظم داخلی است و نیز توسعه فرهنگ، اقتصاد و منافع عمومی را دربر می‌گیرد. پهنه برونی نیز به چگونگی جایگاه کشور در صحنه جهانی بازمی‌گردد.

نزد اندیشمندان دیگر، امنیت ملی در دو وجه متمایز مطرح شده است. یکی در مفهوم خاص یعنی نگاهبانی از موجودیت و ذات کشور که

شامل امور زیر می‌گردد:

الف / نگاهبانی از جان مردم؛

ب / نگاهبانی از تمامیت ارضی؛

ج / نگاهبانی از رازمان (سیستم) سیاسی و اقتصادی کشور؛

د / نگاهبانی از استقلال و حاکمیت کشور.

دو دیگر، در مفهوم عام، یعنی آسودگی از بیم تهدیدات جدی خارجی، نسبت به منافع حیاتی و اساسی یک کشور. به سخن روشنتر امنیت ملی یعنی نگاهبانی از ارزشهای حیاتی یک کشور در مقابل تهدیدات جدی بیگانه<sup>۲</sup>.

به باور والتر لیپمن «کشوری دارای امنیت است که در صورت دوری جستن از جنگ، ناگزیر از فداکردن منافع حیاتی خود نباشد و در صورت بروز نبرد، منافع حیاتی خود را با پیروزی در جنگ نگاهبانی کند»<sup>۳</sup>.

امروزه امنیت را باید فراتر از قدرت نظامی و پیروزی در جنگ دانست چرا که با پیدایش جنگ افزارهای هسته‌ای و موشکهای قاره‌پیما مفهوم استقلال، حاکمیت، تهدیدات خارجی و غیره دگرگون شده است.

بربنیان آنچه نوشته آمد، امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد تا از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان بماند و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی، تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه گام بردارد<sup>۴</sup>.

یکی از ویژگیهای بنیانی امنیت ملی، ذهنی بودن آن است. احساس امنیت و درجه آن، وابسته به دیدگاه مردم و زمامداران جامعه نسبت به دشمنان احتمالی و واقعی است. ذهنی بودن امنیت با عوامل زیر مرتبط است:

الف / اعتماد به توانایی و قدرت نسبی

کشور برای مقابله با هر خطر جدی و احتمالی؛

ب / اعتماد به قدرت نسبی کشور

# نقش پرسمان امنیت در سیاست خارجی ایران

دکتر ناصر فرشاد گهر

که بر منافع ملی تأثیر می‌گذارند همان‌هایی هستند که امنیت ملی را زیر نفوذ دارند.

## پیوند امنیت ملی و سیاست خارجی

سیاست خارجی، خط مشی یا راهبردی است که از طریق تصمیم‌گیری يك دولت در برابر دیگر دول یا سازمانهای بین‌المللی در راستای نیل به منافع ملی شکل می‌گیرد و در معرض نوسان متغیرهای بین‌المللی قرار دارد. پیش از طراحی سیاست خارجی، تصمیم‌گیرندگان باید به نکات زیر توجه نمایند:

۱. منافع ملی را با توجه به اهداف مورد نظر ترجمان کنند؛

۲. متغیرهای داخلی و بین‌المللی را با توجه به اهداف تعیین نمایند؛

۳. به تجزیه و تحلیل تواناییهای دولت برای نیل به اهداف بپردازند؛

۴. اقدامات موردنیاز را برای نیل به اهداف انجام دهند؛

۵. پی‌در پی به ارزشیابی اقدامات انجام شده بپردازند.<sup>۹</sup>

اولتون و پلانو بر این باورند که اهداف اساسی هر کشور در سیاست خارجی چیزی جز بقا، حفظ امنیت، رفاه ملی، آبروی (پرستیژ) ملی، حمایت و توسعه ایدئولوژی و تعقیب قدرت نیست. همین تقسیم‌بندی از سوی شومان نیز تأیید شده است. وی آورده است که، بدون دستیابی به بقا و امنیت، نیل به سایر اهداف سیاست خارجی ناممکن است.<sup>۱۰</sup>

بطور کلی اهداف سیاست خارجی را می‌توان چنین برشمرد:

۱. حفظ تمامیت ارضی که مراد از آن، حفظ حدود ارضی و مستملکات کشور و حمایت و مراقبت از شهروندان داخل و خارج کشور است.

۲. رفاه ملی که منظور از آن، تأمین نیازمندیهای اقتصادی شهروندان است. امروزه

در برقراری مناسبات با دوست و دشمن؛

ج / اعتماد به این که کشور می‌تواند در گرایشها و روندهای سیاسی آینده شرایط مناسبی را حفظ کند.

یکی از نتایج و آثار ذهنی بودن امنیت توسل به زور در سیاست داخلی و خارجی است.

نسبی بودن امنیت نیز ریشه در ناپایداری و نامشخص بودن آن دارد. عواملی چون زمان، ایدئولوژی، اوضاع و احوال بین‌المللی، موقعیت کشور، و دیدگاه رهبران در میزان امنیت و نحوه کسب و نگاهبانی آن تأثیر دارد.<sup>۵</sup>

امنیت هم يك فراگرد و هم يك وضعیت نهایی است. یعنی همان هنگام که تمهیدات لازم برای دستیابی به حدنصاب امنیت اندیشیده می‌شود، نوعی آرامش، امید و اعتماد برای تداوم حیات و فعالیت پدید می‌آید. امنیت يك «عنصر تجزیه‌ناپذیر» در سیاست داخلی و خارجی کشورهاست.<sup>۶</sup>

شمار فراوانی از متخصصان مسائل بین‌المللی، میان امنیت ملی و منافع ملی پیوندی ناگسستنی ترسیم نموده و برخی نیز منافع ملی، بقای کشور و امنیت ملی را مفاهیمی یگانه دانسته‌اند. جیمز روزنا منافع ملی را در موارد زیر فراپیش می‌نهد:<sup>۷</sup>

۱. تلاش برای حفظ توازن قدرت جهانی؛

۲. توسعه تجارت خارجی؛

۳. حمایت از اصول دموکراسی؛

۴. ممانعت از دستیابی متجاوزان احتمالی.

آزگود منافع ملی را پی‌گیری ارزشهای مفید برای ملت‌ها می‌داند. در باور او منافع ملی در پدیده‌ها و ارزشهای زیر خلاصه می‌شود: حفظ سرزمین، حفظ استقلال و حاکمیت، حفظ نهادهای اساسی جامعه، تقویت قدرت ملی، کارایی در اداره امور خارجی و حفظ آبروی (پرستیژ) ملی.<sup>۸</sup>

بهره سخن آنکه، منافع ملی و امنیت ملی تقریباً دارای تعاریف یگانه‌ای هستند و عواملی

● اولتون و پلانو: اهداف اساسی هر کشور در سیاست خارجی چیزی جز بقا، حفظ امنیت، رفاه ملی، آبروی ملی، نگاهبانی و توسعه ایدئولوژی و تعقیب قدرت نیست.

ایدئولوژیهای افراطی و فاشیستی، فقر، وابستگی اقتصادی - تکنولوژیک به قدرتهای بیگانه، گسترش نظامیگری و تکنولوژی نظامی، مسابقه تسلیحاتی و مواردی این چنینی، نمونه‌هایی از این عوامل است. دولت‌ها نیز برای نگاهبانی از امنیت ملی از شیوه‌های گوناگون مانند بازدارندگی، سیستم امنیت دسته‌جمعی، خلع سلاح و کنترل تسلیحات، مهارت دیپلماتیک، سمت‌گیری مناسب در سیاست خارجی و ایجاد نهادهای فراملی و نیل به همگرایی کمک می‌گیرند تا در پهنه جامعه جهانی، بقا و منافع ملی خود را تضمین نمایند.<sup>۱۲</sup>

### عوامل مؤثر بر امنیت ملی و سیاست خارجی ایران

در بررسی سیاست خارجی و امنیت ملی ایران، سه دسته از عوامل نقش کاملاً مشخصی دارند. گروه نخست، عوامل درونی؛ گروه دوم، عوامل منطقه‌ای؛ و گروه سوم: عوامل بین‌المللی می‌باشند. در گروه نخست، متغیرهایی مانند آرمانهای زمامداران، ماهیت رژیم (نظام) سیاسی، نیازهای اقتصادی و غیره قرار گرفته‌اند. آرمان شیعه از آغاز سده شانزدهم میلادی جهت‌ی ویژه به امنیت و سیاست خارجی ایران داده و از همین روی، پرسمان‌های گوناگون امنیتی را چه در پهنه پیکارها و چه در عرصه سازشها پدید آورده است.<sup>۱۳</sup>

همین متغیر در سده نوزدهم میلادی به هنگام پیکارهای ایران و روسیه، جنبش مشروطیت و نقش علما در اوج‌گیری رستاخیزهای «بیگانه و خودکامه‌ستیز» جایگاهی ویژه به سیاستهای داخلی و خارجی می‌داده است.<sup>۱۴</sup>

ماهیت رژیم سیاسی گرچه خود متغیری وابسته به ایدئولوژی است، ولی بی‌تردید نقش فزاینده‌ای به آرمانهای زمامداران می‌بخشیده است. در درازنای تاریخ قاجار بیگانگان تلاش داشتند با پشتیبانی از جانشینانی چون

این امر بیشتر از راه برقراری مناسبات با سایر کشورها به دست می‌آید. رفاه اقتصادی شامل دو گروه عوامل است: گروه نخست، شامل ثروت طبیعی و منابع طبیعی و گروه دوم، ناظر بر چگونگی بهره‌برداری از منابع می‌باشد.

۳. امنیت ملی، شامل اموری است که نتیجه آن برقراری امنیت و پایداری کشور است. به عبارت روشنتر، تصمیم‌گیرندگان از این راه هرگونه خطر احتمالی را چاره‌اندیشی می‌کنند. شیوه‌های به کارگیری آن می‌تواند امضای پیمانهای دفاعی، بهره‌جویی از بحرانهای بین‌المللی، اتکا به پشتیبانی مردم و غیره باشد. امنیت ملی نیاز به آمادگی اقتصادی، سیاسی و نظامی دارد.

۴. حفظ آبروی (پرستیژ) ملی: آبرو (پرستیژ) در واقع غرور و احترامی است که یک کشور در صحنه بین‌المللی و نزد سایر کشورها کسب می‌کند. آبروی ملی می‌تواند از طریق پیشرفت ملی، شهرت رهبران، گرایش‌های صلح‌طلبانه، نیرو و قدرت نظامی به دست آید.

۵. کسب قدرت: از آنجا که کشمکش برای کسب قدرت از ویژگیهای بنیانی جوامع، چه داخلی و چه خارجی است بنابراین دولت‌ها برای متقاعد نمودن دیگران نیاز به قدرت روز افزون دارند. کسب قدرت، پیروی از قانون نیرو و حرکت است.

۶. نگاهبانی و توسعه ایدئولوژی نیز از اهداف اصولی سیاست خارجی کشورهاست چه از این طریق نفوذ کشور در ورای مرزها گسترده خواهد شد. نیروی ایدئولوژی، توانایی کشور را نزد پیروان خارجی افزایش خواهد داد.<sup>۱۱</sup>

به هر روی، از دیدگاه روابط بین‌الملل عواملی چند بر امنیت ملی کشورها تأثیر می‌گذارد. موقعیت جغرافیایی نامناسب یک کشور، بحران سیاسی - اجتماعی چه مناقشات درونی و چه بیرونی، انفجار جمعیت،

● برخی، امنیت ملی را هم ارز منافع ملی به کار برده و آن را مجموعه شرایط و امکانات پویایی دانسته‌اند که تحقق نیازهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شدنی می‌سازد.

ناصرالدین میرزا، محمدمیرزا و غیره، ماهیت حکومت را به سوی خود گرایش دهند. به همین دلیل بود که سیاست خارجی ایران در پی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سمت و سویی باختری به ویژه آمریکایی به خود گرفت.<sup>۱۵</sup>

موقعیت جغرافیایی نیز در این میان، با توجه به اینکه ایران شرقی ترین کشور خاورمیانه است، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کند. موقعیت سیاسی و جغرافیایی کشور را باید بر مبنای وسعت، منابع، عوارض زمینی و آب و هوا در نظر گرفت:

- وجود بیش از دو هزار کیلومتر مرز شمالی با کشورهای نه چندان پایدار به جا مانده از فروپاشی شوروی؛

قرار گرفتن در مسیر راههای هوایی، زمینی، و تاحدی دریایی در منطقه و جهان؛

قرار داشتن در میانه مسیر خاور به باختر که از نظر امنیتی همیشه کشور را محل برخورد قدرتهای بزرگ ساخته است؛<sup>۱۶</sup>

وضعیت مرز رودخانه‌ای نامناسب در بخش جنوب اروندرود، با وجود معاهده ۱۹۷۵؛<sup>۱۷</sup> وضعیت تنش‌زا در مرز خشکی، بین ایران و عراق؛

در اختیار داشتن سواحل گسترده در خلیج فارس و دریای عمان با توجه به حضور بیگانگان به ویژه آمریکا در خلیج فارس؛

وجود دشت نسبتاً هموار در مشرق، مجاورت با پاکستان و افغانستان، مجاورت به آشوبها و نابسامانیهای این کشورها و دشواریهای برقراری امنیت در این بخشها.

از همین روست که انطباق استراتژی و تاکتیک دفاعی در زمان صلح و جنگ با توجه به وضعیت ژئوپولیتیکی کشورمان يك ضرورت غیر قابل احتراز است.<sup>۱۸</sup>

ایران به لحاظ گستردگی، اقوام، زبانها، نژادها، لهجه‌ها و اقلیتهای گوناگون را در خود جای داده است. شیوه برخورد منطقی و مناسب

با آنها در سیاست امنیتی ما اهمیت بسزایی دارد. تاریخ شاهد آن است که همواره به هنگام ناتوانی حکومت مرکزی، آشوبهایی در مناطق فوق وجود داشته است. دولت‌های بیگانه نیز از همین پرسمان در راستای سود و سودای خود و از میان بردن امنیت ملی ایران بهره گرفته‌اند. فقدان همبستگی اجتماعی در درازنای تاریخ از یورش سلجوقیان تا هجوم مغولها شاید نشانی از همین واقعیت داشته است.<sup>۱۹</sup>

نیازهای داخلی نیز نوعی وابستگی در روند تدوین سیاستگذاری خارجی پدید می‌آورده که بی‌تردید در پرسمان امنیت و منافع ملی ما پراهمیت بوده است. نگاهبانی از امنیت ملی تنها در سایه برنامه‌ریزیهای مبتنی بر خودکفایی نسبی شدنی است.

جمعیت ایران با میزان رشد تخمینی ۲/۹ درصد در سال ۲۰ در درازنای ۲۰ سال دو برابر خواهد شد. با توجه به سنجش‌های «جمعیت متناسب» مانند بالا بودن تولید سرانه، میانگین سطح زندگی، میزان بالای اشتغال، طول عمر زیاد، توسعه متناسب منابع، بالا بودن مصرف سرانه غذا و میزان دسترسی بالا به علم و دانش، جمعیت کنونی کشورمان «متناسب» نخواهد بود. جمعیت نامتناسب نیز پیامدی جز از هم‌پاشیدگی اجتماعی و ناامنی اجتماعی نخواهد داشت.<sup>۲۰</sup>

چنانچه در بالا آمد گروه متغیرهای داخلی به شیوه‌ای سرنوشت‌ساز بر امنیت خارجی، داخلی و سیاست خارجی ایران سایه افکنده‌اند. بی‌دلیل نیست که گفته‌اند سیاست خارجی از درون کشور آغاز می‌گردد.

اهمیت بُعد بین‌المللی نیز کمتر از بُعد داخلی نیست. این گروه عوامل نیز در سیاست امنیتی ایران نقش برجسته‌ای داشته‌اند. اعلام بی‌طرفی ایران<sup>۲۱</sup> به هنگام جنگ دوم جهانی و هجوم به مرزهای شمالی و جنوبی از سوی انگلیس و شوروی شواهدی ارزنده از میان موارد پرشمار می‌باشد.

● **والتر لپیمن: کشوری دارای امنیت است که در صورت دوری جستن از جنگ، ناگزیر از فدا کردن منافع حیاتی خود نباشد و در صورت بروز نبرد، منافع حیاتی خود را با پیروزی در جنگ نگاهبانی کند.**

● آرمان شیعه از آغاز سده شازدهم میلادی، جهتی ویژه به امنیت و سیاست خارجی ایران داده و از همین رو، پرسیمان‌های امنیتی گوناگونی پدید آورده است.

فارس و تنگه‌هرمز تنها يك مورد منطقه‌ای نیست بلکه با منافع قدرتهای باختری و صنعتی در پیوند است. مناسبات مرزی با همسایگان، پرسما‌نهای مربوط به قومیت‌ها، آمد و شد مرزی اقموامی چون کسرها، اثرات متقابل گذار ایدئولوژی و . . . در این بخش جای دارد.

مناسبات با عراق، رقابت در خلیج فارس، تضاد ایدئولوژیک دو کشور، اختلافات مرزی (ارضی و آبی) همه از این گروه عوامل هستند. عراق در پی استقلال همواره دستخوش انقلابات متعدد چون انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ و روی کار آمدن قاسم، کودتای ۱۹۶۳ عارف، کودتای ۱۹۸۶ افسران جوان به رهبری حسن البکر، نبرد قدرت میان دولتمردان بعثی، روی کار آمدن صدام حسین در سال ۱۹۷۹، جنبش کردها، ناآرامی شیعیان، و تحولات ایدئولوژیک بوده است. گرچه پیشینه تلاشهای این کشور در سازمان اوپک (در جنبه امتناع)، و جهه‌ای انقلابی بدان می‌بخشیده است لیکن اتخاذ سیاست خارجی نامناسب، تحمیل هشت سال جنگ به ایران، یورش به کویت در سال ۱۹۹۰، جابجایی مجدد نیروها در سال ۱۹۹۴، و تهاجم نیروهای چندملیتی به این کشور، نه تنها مایه بی‌ثباتی و عدم امنیت این کشور شد، بلکه موجب آسیب‌پذیری منطقه گردید.<sup>۲۶</sup>

اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی ایران و عربستان سعودی در این سالها از مهمترین درگیریهای منطقه‌ای است. هردو کشور که زمانی بر بنیان سیاستگذاریهای واشینگتن پایه‌های مالی و نظامی سیاست آمریکا در منطقه بودند، در پی انقلاب اسلامی روابطی تیره یافتند. تا پیش از انقلاب، ایران به همراه عربستان نقش تثبیت‌کننده امنیت منطقه را به عهده داشت. از ایران برای سرکوب جنبش ظفار بهره‌گیری شد.<sup>۲۷</sup>

در حین جنگ ایران و عراق حمایت‌های مالی و سیاسی عربستان از عراق نیز تعارضات

در تاریخ معاصر ایران، یورش انگلیسها از جنوب و جنوب خاوری، عثمانیها از باختر، روسها از شمال باختری و خاوری به همراه سیاستهایی چون وصیت‌نامه پتر کبیر، پیمانهای اندوهبار گلستان ۱۸۱۳، ترکمنچای ۱۸۲۸، قرارداد ۱۹۰۷ و غیره یادآور خاطره‌های دردناک تاریخ ایران است. انگلیسها ایران را به عنوان يك کشور سپر<sup>۲۳</sup> برای هندوستان و بازاری برای فروش کالاهای انگلیسی تصور می‌کردند. از دهه دوم سده بیستم میلادی، نفت نیز در محاسبات این کشور وارد گردید.<sup>۲۴</sup> روسها نیز در پی گسترش سرزمین خود بودند و تا سال ۱۸۸۲ که پیمان مرزی آخال را به کشور ما تحمیل نمودند، صفحات شمالی کشور را کاملاً ناامن ساخته بودند. تنها زمانی که دو قدرت روس و انگلیس با یکدیگر رقابت داشتند، امنیت ایران بطور نسبی برقرار می‌گردید. هرگاه که دو قدرت با یکدیگر به توافق می‌رسیدند، شرایط امنیتی ایران نابسامان می‌شد (همانند قرارداد ۱۹۰۷ که ایران را به مناطق نفوذ روس و انگلیس بخش نمود).

ورود آمریکا به صحنه ایران، در پی جنگ دوم جهانی، کودتای ۲۸ مرداد، تحمیل بافت کنسرسیومی بر نفت ایران، ورود ایران به پیمان بغداد (بعدها سنتو) مناسبات نزدیک ایران با غرب، همگی ناشی از شرایط جهانی نظم نوین پس از جنگ جهانی دوم بود. از آن پس تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران باختریان و در رأس آنها آمریکا در سیاستهای امنیتی خارجی ایران نقش بزرگی داشتند. خروج نیروهای اشغالگر شوروی از ایران با یاری آمریکا و مانور قوام نخست‌وزیر وقت، برملاکننده حقایق در شرایط جدید ایران و جهان بود.<sup>۲۵</sup>

عوامل منطقه‌ای از آنگونه عواملی است که گهگاه نمودی بین‌المللی در سیاست خارجی ایران می‌داشته است. پرسیمان امنیتی خلیج

به همراه افغانستان به اکو ملحق شدند و بدین ترتیب شمار هموندان این سازمان به ۱۰ کشور افزایش یافت.

این سازمان اکنون با موانعی اقتصادی مانند مکمل نبودن اقتصاد اعضا، یا پایین بودن میزان سطح بازرگانی میان هموندان، ناکافی بودن زیرساختهای ارتباطی، موانع سیاسی مانند بی ثباتی سیاسی هموندان، نفوذ قدرتهای خارجی، موانع اجتماعی- فرهنگی و موانع ساختاری- اجرایی روبرو است. اگر این موانع همگرایی میان هموندان کاهش یابد، بی تردید این دسته از تلاشها در پیدایش ثبات و امنیت در منطقه بسیار مؤثر خواهد بود.

به هر روی در بررسی مسائل امنیتی ایران، امور امنیتی ملی، منطقه‌ای و جهانی به شیوه‌ای پیچیده با یکدیگر در آمیخته و جریان سیاست و اقدامات ایران در ورای مرزهایش به تلاشها در پهنه داخلی آن پیوند می‌یابد.

### برآیند سخن

با باور این نکته که سیاست خارجی، کنش و واکنش میان تصمیم‌گیرندگان و محیط خانگی و برونی یک جامعه است، سیاست خارجی بخش بزرگی از سیاستهای کلی کشورها را تشکیل می‌دهد. سیاست خارجی کشورها به شیوه‌ای طبیعی با تأکید بر امنیت ملی، منافع ملی و قدرت ملی طراحی می‌شود. متغیرهایی چون مبانی فکری، نیازهای اقتصادی، تواناییهای سیاسی، موقعیت جغرافیایی، روحیه ملی، خصائص ملی، ماهیت نظام و غیره به صورت دو گروه متغیرهای مادی و غیرمادی بر تدوین سیاست خارجی اثر می‌گذارد. آگاهی از تهدیدهای درونی و برونی، قدرت ملی، آمادگی نظامی و امنیتی، و رشد اقتصادی سیاستگذاران را برای شناخت منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت آماده می‌سازد.

در بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز تاکنون نگره‌های گوناگونی

دو کشور را ژرفتر نمود. اخراج زائران ایرانی از عربستان سعودی به سال ۱۹۸۱، ارسال اطلاعات به عراق توسط آواکسهای عربستان، اختلاف نظر بر سر طرح فهد، تهاجم پلیس سعودی به راهپیمایی برائت از مشرکین<sup>۲۸</sup> و اخطار ایران به موضع‌گیری‌های نفتی محافظه کارانه عربستان در اوپک<sup>۲۹</sup> همه و همه نمایانگر گوشه‌ای از تیرگی مناسبات این دو کشور بود.

در گیربهای پیرامون مرزهای باختری- میان عراق و کویت- نیز شرایط امنیتی ایران رازیر فشار گذاشته است. وحشت و هراس کویت از همجواری با کشور عراق با وجود ادعای مرزی عراق در مورد کویت از سال ۱۹۳۲ و اوج‌گیری آن در زمان قاسم، و مطرح شدن مجدد آن در سال ۱۹۷۳ و پس از آن علی‌رغم یاریهای ۱۸ میلیارد دلاری به عراق به هنگام جنگ با ایران، نمونه دیگری از ناآرامیهای همسایگان ماست. یورش عراق به کویت در سال ۱۹۹۰، سبب ورود آمریکا و قدرتهای باختری به منطقه شد. آمریکا هم اکنون در تلاش است تا یک نظم نو در خاورمیانه برقرار سازد<sup>۳۰</sup>. اختلافات مرزی قطر و عربستان از سال ۱۹۶۵، قطر و بحرین، امارات با ایران، نمونه‌هایی از این گروه تنشهاست که پیامد آن بی‌نظمی و عدم امنیت در منطقه خواهد بود<sup>۳۱</sup>.

تلاشهای ایران برای ایجاد همگرایی در منطقه، بویژه از طریق پیمان اکو نیز در این چهارچوب جای می‌گیرد. سه کشور ترکیه، پاکستان و ایران از سال ۱۹۶۴ به تأسیس این سازمان مبادرت ورزیدند. در پی پیروزی انقلاب، فعالیت این سازمان که آن زمان نام سازمان همکاری عمران منطقه‌ای داشت، متوقف شد و در سال ۱۹۸۴ سه کشور بار دیگر نسبت به همکاری باهم در چهارچوب سازمان تازه‌ای اظهار تمایل نمودند. در سال ۱۹۹۱ به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، شش جمهوری مسلمان‌نشین آسیای مرکزی و قفقاز

● مهم آن است که بتوان ارزشهای اساسی اعتقادی را به شیوه‌ای مناسب در چارچوب امنیت ملی و دفاع از تمامیت ارضی به پیش برد.

۱. اتخاذ استراتژی و سمت‌گیری منطقه‌ای در سیاست خارجی ایران با در نظر داشتن پیرامان امنیت ملی؛
۲. بهره‌گیری از رازمان امنیت دسته جمعی و منطقه‌ای؛
۳. بهره‌گیری از استراتژی اتحاد و ائتلاف با کشورهای دوست یا قدرتمند جهان؛
۴. به کارگیری استراتژی عدم تعهد در سیاست خارجی؛
۵. استفاده از اقتدار سیاسی و مکانیزم دیپلماسی؛
۶. آمادگی سیاسی - نظامی برای تثبیت امنیت ملی.

### یادداشت‌ها

- (۱) هر میداس باوند، «منافع ملی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۳۸، ص ۳۱.
- (۲) حمید بهزادی، اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی، (تهران: طهوری، ۱۳۵۲).
- (۳) همان و نیز ر.ک. به: Walter Lipman, *US Foreign Policy: Sheild of Republic* (Boston: Little and Co., 1943), p.5.
- (۴) جلیل روشندل، امنیت ملی و نظام بین‌المللی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۴)، ص ۱۴.
- (۵) علی اصغر جمهراسی فراهانی، بررسی مفاهیم امنیت ملی (تهران: مرکز مدیریت دولتی، ۱۳۷۴)، ص ۱۳.
- (۶) علی اصغر کاظمی، زنجیره تنازع در سیاست و روابط بین‌الملل (تهران: قومس، ۱۳۷۰)، ص ۱۱۶.
- (۷) روشندل، پیشین، ص ۳۸.
- (۸) برای مطالعه جامع‌تر پیرامون اندیشه‌های روزنا و آژگودر.ک. به: Robert Osgood. *Theory and Practices of International Relation* (Washington: Prentice Hall).
- James Rosenau. *International Politics and Foreign Policy* (New York: Free Press. 1961).
- (9) Jack C. Planno and Rov Olton, *International Relations Dictionary* (Essex: Longman. 1982), p.11.
- (10) Shuman, *International Politics* (New York: Mac GrawHill. 1969), p.279.

طرح شده است. برخی از این باورها مورد نقد قرار گرفته و شماری نیز مورد تأکید بوده است. نظریاتی چون عملگرایی در قالب اسلام، تز حکومت عملی اسلام، نظریه ام‌القرآ، نظریه انجام تکالیف الهی بدون توجه به پیامدهای بلندمدت آن، از مهمترین این گروه اندیشه‌ها می‌باشد<sup>۲۲</sup>. مهم آن است که بتوان ارزشهای اساسی اعتقادی را به شیوه‌ای مناسب در چارچوب امنیت ملی و دفاع از تمامیت ارضی به پیش برد.

باور به بریایی يك ایران قسوی از نظر اقتصادی، نظامی و سیاسی، تنها چاره کامیابی در سیاستهای خارجی و برقراری امنیت ملی است. هرگاه مناسبات قوی با کشورهای همسایه بویژه آسیای مرکزی و قفقاز، و نیز قدرتمندان جهان همانند روسیه و چین برقرار گردد، امکان مذاکره پیروزمندانه‌تر با اروپا و کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس فراهم خواهد شد.

بی‌تردید بهره‌جویی مناسب از امکانات اقتصادی، ابزاری منطقی در راستای سیاستهای برقراری امنیت در منطقه و جهان خواهد بود، بویژه اگر امکانات اقتصادی با متغیر فن‌آوری همراه گردد. در نظر داشتن نظم حاکم بر جهان در شرایط کنونی نیز بسیار مهم است. از میان رفتن نظام دوقطبی، همگرایی قدرتمندان در یورش به عراق، اهمیت یافتن متغیر اقتصاد بین‌الملل، و در کل به هستی آمدن نظام جدید جهانی در این پهنه، بایسته‌هایی لازم در سیاست امنیتی ماست.

توجه به قدرت دفاعی مردم، بهره‌جویی از روحیه ملی، ایجاد جامعه‌ای متکی به خود و تقویت فرهنگ استقلال نیز گام دیگری است که در جهت تضمین امنیت ملی بسیار کارساز است. هرگاه بر آن باشیم که با در نظر داشتن ویژگیهای مؤثر بر سیاست خارجی ایران در درازنای زمان، شیوه‌هایی را در نگاهی از امنیت ملی خویش گزینش نمائیم شیوه‌های زیرین بهینه‌ترین راهکارهاست:

● نبود امنیت، مفهومی جز نبود توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، چه در زمینه داخلی و چه در عرصه بین‌المللی ندارد.

● نگاهبانی از امنیت ملی  
تنهادر سایه  
برنامه‌ریزی‌های مبتنی بر  
خودکفایی نسبی شدنی  
است.

سیاست بین‌المللی (تهران: سمت، ۱۳۷۲) ص ۱۵۴.  
(23) Buffer State.

(۲۴) در پیوند با این پرسمان ر.ك. به:

Ellen Suttan, **Persian Oil** (Connecticut:?, 1956).

(۲۵) در پیوند با خروج نیروهای شوروی از ایران و نقش  
آمریکار.ك. به:

Sir L.Wood Worth, **British Foreign Policy  
in the Second World War** (London:  
h.m.s.o.1962), pp. 318 - 320.

(۲۶) ناصر فرشادگوهر، بررسی قدرت اوپک در  
سیاست جهانی (تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین،  
۱۳۷۴)، ص ۱۹۶.

(۲۷) همان، ص ۱۹۹.

(۲۸) ر.ك. جمهوری اسلامی، شماره ۲۳۶۹  
۱۳۶۶/۵/۱۰)، ص ۱.

(۲۹) ر.ك. جمهوری اسلامی، شماره ۲۵۹۳  
۱۳۶۷/۲/۲۰)، ص ۱.

(۳۰) اصغر جعفری ولدانی، «ادعای ارضی عراق نسبت  
به کویت»، مجله سیاست خارجی، سال چهارم، شماره ۳  
(پائیز ۱۳۶۹)، ص ۳۵۲.

(۳۱) ر.ك. اصغر جعفری ولدانی، «نگاهی به اختلافات  
مرزی عربستان سعودی و قطر»، اطلاعات سیاسی -  
اقتصادی، سال چهارم، شماره ۳ (آذر-دی ۱۳۷۱)، ص  
۵۷.

(۳۲) برای مطالعه بیشتر ر.ك. جواد منصوری، سیاست  
خارجی جمهوری اسلامی ایران (تهران: انتشارات  
امیرکبیر، ۱۳۶۵) و نیز اصول سیاست خارجی  
جمهوری اسلامی اثر دکتر منوچهر محمدی و دکتر  
لاریجانی.

(۱۱) هوشنگ مقتدر، مباحثی درباره سیاست  
بین‌المللی و سیاست خارجی (تهران: دانشکده علوم  
سیاسی، ۱۳۵۴)، ص ۱۳۶.

(۱۲) برای مطالعه بیشتر ر.ك. جمهراسی فراهانی،  
پیشین، فصل‌های چهارم و پنجم، ص ۱۳۲-۶۲.

(13) R.Ramazani, **The Foreign Policy of  
Iran** (Charlottesville: University Press of  
Virginia, 1966), p.305.

(14) Ibid. p. 306.

(۱۵) برای مطالعه در این باره ر.ك. محمدرضا پهلوی،  
پاسخ به تاریخ، برگردان حسین ابوترابیان (تهران: نشر  
سیمرغ، ۱۳۷۵)، ص ۱۳۳.

(۱۶) عزت‌الله عزتی، جغرافیای نظامی ایران (تهران:  
امیرکبیر، ۱۳۶۸) صص ۲۵-۲۹.

(۱۷) همان. ص ۱۳۷ و نیز ر.ك. ناصر فرشادگوهر،  
نظام حقوقی رودهای بین‌المللی و اروندرود (تهران:  
دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸)

(۱۸) علی اصغر کاظمی، نقش قدرت در جامعه و  
روابط بین‌الملل (تهران: نشر قومس، ۱۳۶۹)، ص  
۲۴۶.

(19) Ramazani. **op. cit.** p33.

(۲۰) این پارامتر فرضی است و تنها در راستای بیان  
نقش جمعیت ارائه شده است.

(۲۱) امیر آشفته تهرانی، جامعه‌شناسی جمعیت  
(اصفهان: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲)، ص ۲۵؛ محمدتقی  
شیخی، جامعه‌شناسی جمعیت (تهران: نشر سفیر،  
۱۳۷۲)، ص ۷۴؛ حبیب‌الله زنجانی، جمعیت و توسعه  
(تهران: مرکز مطالعات شهرسازی ایران، ۱۳۷۱).

(۲۲) در پیوند با وظایف کشور در برابر کشورهای  
بیطرف ر.ك. عبدالعلی قوام، اصول سیاست خارجی و